

تعاون، سال بیستم، شماره ۲۰۴ و ۲۰۵، تیر و مرداد ۱۳۸۸

تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی

محمد مهدی فاضل بیگی^۱، دکتر غلامرضا یآوری^۲

چکیده

تاکنون تعاریف متعددی از تعاون و تعاونی ارائه شده است. تعاون را می‌توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطوح گوناگون فعالیتهای اجتماعی دانست (بوگاردوس، ۱۳۸۲). در این میان تعاون روستایی جایگاه ویژه‌ای دارد. از آنجا که نقش تعاون و تعاونیهای روستایی در فرایند تولید و نهایتاً توسعه روستایی مهم است و با توجه به اینکه در اکثر مناطق جهان، روستاها از جمله نواحی فقیر و درحال فرسایش محسوب می‌شوند، اندیشمندان و سیاستگذاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی را معطوف به امر توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آنها کرده‌اند.

امروزه صاحب‌نظران بین‌المللی بر این اعتقادند که جدای از سیاستها و راهبردهای کلان توسعه، به طور ویژه و مشخص باید به امر توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده حاکم بر

۱. کارشناس ارشد توسعه روستایی و عضو باشگاه پژوهشگران جوان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

e-mail: fazel_mehdi@yahoo.com

تهران

۲. دکترای اقتصاد کشاورزی و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور شهرری

آنها پرداخت. در این میان به نظر می‌رسد مقوله تعاون روستایی و کارآفرینی روستایی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان می‌دهد که سیاستهای تقویت ظرفیت فرهنگ تعاون و نظام تعاونی یک جامعه (از جمله مهارتها و انگیزه‌های استفاده از فرصتها)، تأثیر بسزایی در ارتقای سطح فعالیتهای کارآفرینی خواهد داشت. در این باره دولتها باید پشتیبانیهای لازم را از جنبه‌های مختلف اقتصادی - که هادی و حامی افزایش سطوح فعالیتهای تعاون و کارآفرینی هستند - به عمل آورند. در نهایت سیاستها باید در مسیر توسعه سرمایه گذاری در صنایع روستایی و محرک انگیزه‌های افراد برای سرمایه گذاری بهینه در مراحل ابتدایی سرمایه گذاری و کارآفرینی باشد.

کلیدواژه‌ها:

تعاون روستایی، کارآفرینی روستایی، توسعه روستایی

مقدمه

توسعه روستایی یعنی بهبود کیفیت زندگی همه مردم به ویژه مردمان کم‌درآمد. این امر از طریق بهبود وضعیت کشاورزی، درمانی و بهداشتی، فناوری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی و نیز تقویت ساختارهای مشارکتی در جامعه تحقق پذیر است. اما نقطه شروع باید از خود مردم باشد؛ یعنی همان کسانی که از دانش ذاتی پدیده‌ها و شرایط پیرامون خود برخوردارند و از آنها متأثر می‌شوند. زمانی که آژانسها و سازمانهای توسعه برای بهبود استانداردهای زندگی مردمان روستایی تلاش می‌کنند، ضروری است شرایط و سوابق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بومشناختی و سیاسی در نظر گرفته شود و تا زمانی که این تلاشها بدون توجه به نظرات کشاورزی و منابع آنها انجام گیرد، سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه به نتیجه نخواهد رسید.

امروزه کارآفرینی در نقش یک راهبرد در توسعه و شکوفایی و رشد جوامع انسانی، به جایگزین بی بدیلی تبدیل شده است که از طریق آن همه عوامل و منابع وامکانات یک جامعه به صورت خودجوش و از راه قرار گرفتن در یک روند تکاملی در جهت نیل به آرمانهای بلند اجتماعی بسیج می‌شوند تا منشأ بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی- اجتماعی گردند. لذا چنانچه به فواید بیشمار این پدیده توجه همه‌جانبه شود، اهداف و مختصات یک الگوی توسعه‌ای کارآمد سهل‌الوصول‌تر خواهد شد. موضوعی که در خصوص اهمیت کارآفرینی و ارتباط مستقیم آن با اعتلای ملی یک ملت باید جدی تلقی گردد، اهمیت دادن به نقش "کارآفرینی روستایی و کارآفرینان" ساکن در محیطهای روستایی است؛ مقوله‌ای که با همه اهمیت آن، در جامعه ما مورد غفلت واقع گشته و توجه درخوری به آن نشده است.

روش شناسی

این پژوهش از نوع پیمایشی و به روش توصیفی- تحلیلی انجام گرفته است. تحقیق توصیفی فعالیتی برای توضیح و تشریح عینی و دقیق وقایع و ویژگیهای جامعه مورد نظر یا موضوع مورد علاقه محقق است. روش تحلیلی- توصیفی پژوهشی است برای حقیقت‌یابی و توصیف شرایطی که در یک زمان معین وجود دارد. پژوهشگر در این گونه تحقیقات می‌کوشد آنچه را که هست، بدون هیچ گونه دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش نماید و نتایجی عینی از موقعیت مورد مطالعه به دست آورد (از کیا، ۱۳۸۲).

برای مطالعه و کسب اطلاعات در باب نقش "تعاون روستایی در توسعه کارآفرینی"، به منابع متعدد و متنوعی (کتابخانه‌ای، اینترنتی و ...) مراجعه و تلاش شده است ضمن کسب اطلاعات مورد نیاز تلفیقی از آنها، روش مطالعه کل نگر و تحلیلی به عمل آید تا با بررسی مجموعه فراهم شده بتوان به نقش تعاون روستایی در توسعه کارآفرینی پی برد.

ضرورت و اهمیت پژوهش

شوماخر (۱۳۸۲) می‌گوید: "گاندی عقیده داشت فقیران جهان را تولید انبوه و توده‌وار کمک نمی‌کند، بلکه تولید به وسیله توده‌ها به آنها یاری می‌دهد." فناوری تولید توده‌وار به

مقتضای ذات خود خشن، مضر برای محیط زیست و مایه ابتذال و بیهودگی فرد انسان است. اما فناوری تولید به وسیله توده ها ضمن استفاده از بهترین دانش و تجربه نوین صنعتی، به سمت تمرکززدایی حرکت می کند، با قوانین بومشناسی سازگاری دارد، باعث صرفه جویی در منابع کمیاب طبیعت می شود و به جای آنکه آدمی را به حد خدمتگزار ماشین تنزل دهد، ماشین را به خدمت او در می آورد. فقیران جهان عمدتاً در نواحی روستایی کشورهای در حال توسعه به سر می برند که از نظر فقر، سوء تغذیه و سواد آسیب پذیرترین بخش از جمعیت جهان به شمار می آیند. رفع معضلات این جمعیت عظیم از طریق برنامه ریزی آگاهانه توسعه روستایی امکان پذیر است. در این باره به نظر می رسد توجه به مقوله تعاون و کارآفرینی روستایی تا حد زیادی می تواند در رفع مشکلات موجود به دولت‌ها یاری برساند و مسیر توسعه ملت‌ها را هموار کند.

جایگاه روستا در فرایند توسعه ملی

نقش و جایگاه روستاها در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی چون فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، مهاجرت، حاشیه نشینی شهری و غیره موجب توجه به مقوله توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری شده است. مایکل تودارو در این باره معتقد است که "ضرورت تقدم و توجه به توسعه روستایی نسبت به توسعه شهری به این علت نیست که اکثریت جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی قرار دارند، بلکه به این علت است که راه حل نهایی مسئله بیکاری شهری و تراکم جمعیت، بهبود محیط روستایی است. با برقراری تعادل مناسب بین امکانات اقتصادی شهر و روستا و نیز ایجاد شرایط مناسب برای مشارکت وسیع مردم در تلاشهایی که برای توسعه ملی صورت می گیرد و بهره‌مند شدن از مواهب آن، کشورهای در حال توسعه گام بزرگی در جهت تحقق معنای حقیقی توسعه بر خواهند داشت" (تودارو، ۱۳۸۲).

در متون مربوط به توسعه روستایی تعاریف متعددی از توسعه روستایی ارائه شده است. هرچند این تعاریف مشترکات فراوانی دارند، لیکن از تفاوت‌های مشهودی نیز برخوردارند که این اختلاف ناشی از بینش نظری و سطح تحلیل و بررسی اختیار شده برای تبیین موضوع است. برای تبیین مناسبتر فضای مفهومی توسعه روستایی به برخی از تعاریف مطرح شده اشاره می‌گردد. روستا عمدتاً یک واحد همگن طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی است که از یک مرکز جمعیت و محل کار و سکونت (اعم از متمرکز، پیوسته و یا پراکنده) با حوزه و قلمرو معین ثبتي و یا عرفی تشکیل می‌شود و اکثریت ساکنان شاغل دائمی آن به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به یکی از فعالیتهای اصلی زراعت، باغداری، دامداری، صیادی، صنایع روستایی و یا ترکیبی از این فعالیتها اشتغال دارند و از آن ارتزاق می‌نمایند و پیوند فرهنگی و اجتماعی عمیقی ما بین جامعه آن برقرار است (مطیعی لنگرودی، ۱۳۸۲).

"جان رابینسون" و "آنتوان داکوره" نیز همچون تودارو توسعه روستایی را شرط اصلی توسعه ملی می‌دانند و به این منظور تأکید خاصی بر رشد بخش کشاورزی دارند. رابینسون تولید مواد غذایی را ضروری‌ترین وسیله برای قطع وابستگی سیاسی می‌داند و می‌گوید: "نوعی تعاونی یا مالکیت جمعی زمین و وسایل تولید ضروری است تا شرایطی را فراهم آورد که مدرنیزاسیون بتواند بدون قطبی شدن ثروت و فقر که امروزه سراسر جهان دچار آن است صورت گیرد" (آسایش و قنبری، ۱۳۸۵). نظریه توسعه کشاورزی و روستایی در دهه ۱۹۸۰ فرایند غالب بر توسعه جهان سوم بود. سرنوشت اغلب کشورهای جهان در هر دوره از تاریخ به سرنوشت روستاها بستگی داشته است. یکی از خصیصه‌های بارز روستا آن است که تأمین‌کننده غذای بشر است و می‌تواند بدون تکیه به شهر، به حیات خود ادامه دهد، در حالی که شهر بدون روستا و بهره‌گیری از منابع آن محکوم به نابودی است. جمله زیبایی سقراط که می‌گوید: "نظامی می‌تواند بر آتن حکومت کند که بتواند غذای مردم آن را تأمین نماید" مؤید مطالب پیشگفته است. بر این اساس، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بخش کشاورزی محور توسعه تلقی شده و اهداف این بخش در راستای توسعه اقتصادی و نیل

به خودکفایی در تولید کالاهای اساسی کشاورزی، در بسیج کلیه امکانات ملی و همه بخشهای اقتصادی، تقویت توان اقتصادی روستاها و احیای آنها به عنوان منبع و جایگاه اصلی تولید تبیین شده است (آسایش، ۱۳۷۹، ۵۲).

به طور خلاصه، نقش تولیدی روستا جهت حصول به امنیت غذایی، مساعدت به بخش صنعت و نیز نقش صادرات غیرنفتی روستا در تولید ناخالص کشور و ایجاد فرصتهای شغلی در ابعاد مکانی از جمله آثار مناطق روستایی در توسعه ملی کشور محسوب می شود. در سالهای اخیر نیز توسعه صنعت گردشگری روستایی به ویژه در کشورهای توسعه یافته، عامل اساسی در فرایند توسعه روستایی و تحقق اهداف توسعه ملی بوده است. نقش توسعه روستایی در توسعه ملی را در ۴ بخش کلی زیر می توان بررسی کرد:

۱. بعد اقتصادی^۱

نواحی روستایی به ویژه از طریق تولیدات کشاورزی و صنایع دستی، نقش مهمی در اقتصاد ملی دارند. رشد بالای بخش کشاورزی در سالهای اخیر نشاندهنده وجود ظرفیتهای بالقوه زیاد این بخش برای افزایش تولید و توسعه بیشتر است. این همه دستاوردهای بخش کشاورزی برای اقتصاد ملی در شرایطی است که سهم این بخش از کل منابع سرمایه گذاری شده دولت در ۳۰ سال گذشته همواره کمتر از ۶ درصد بوده است. در واقع بخش کشاورزی با حداقل سرمایه گذاری ریالی و ارزی، بالاترین نقش را در اقتصاد ملی داشته است. بنابراین، نقش مهم نواحی روستایی در اقتصاد ملی، به ویژه از طریق تولیدات کشاورزی، ایجاب می کند که برای تداوم و افزایش این نقش، خصوصاً در زمینه امنیت غذایی پایدار، نواحی روستایی به عنوان عرصه مهم این فعالیت مورد توجه بیشتر قرار گیرند (رضوانی، ۱۳۸۳).

۲. بعد اجتماعی^۲

در بعد اجتماعی، سکونت بیش از ۳۱ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی و همچنین وجود توانمندیهای فرهنگی، یادمانهای تاریخی، ساختارهای اجتماعی متنوع و

1. economic dimension

2. social dimension

کارآمد، نوع و شیوه زندگی منحصر به فرد روستایی با خصلتهایی چون خودکفایی و توانمندی قادرند ضمن ایجاد ثبات اجتماعی و فرهنگی و منطقه‌ای، در تحقق فرایند توسعه ملی کشور در بعد اجتماعی و فرهنگی مؤثر باشند.

۳. بعد زیست محیطی^۱

قوانین کشاورزی و زیست محیطی تأثیر زیادی در توسعه نواحی روستایی دارند (Deunert, 2006). بنابراین، نقش زیست محیطی روستا در تحقق اهداف توسعه ملی با قابلیت‌های مناطق روستایی در جهت مقابله با بیابان‌زایی و خطرات ناشی از خشکسالیها، مقابله با فرسایش و تخریب خاک، حفظ و نگهداری منابع طبیعی و نیز میکرو اقلیم‌ها معنا می‌یابد. بدین ترتیب اگر توسعه را به معنای تعامل بهنجار نظام‌های اکولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی بدانیم، در این صورت روستا و مناطق روستایی نقش اساسی در تحقق توسعه پایدار کشور ایفا می‌نمایند (طاهرخانی و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۴).

۴. بعد سیاسی و امنیتی^۲

ملاحظات امنیتی و سیاسی از دیگر نکاتی است که تأثیر و نقش توسعه روستایی را در توسعه ملی نمایان می‌سازد. به لحاظ امنیتی، بهبود وضع زندگی روستاییان و نیز تثبیت جمعیت فضاها و نقاط روستایی به‌ویژه در فضاها خاص مانند سرحدات مرزی، حواشی دشت کویر، دشت لوت و مناطق شرقی و جنوب‌شرقی کشور، نقش مؤثری در حفظ امنیت کشور خواهند داشت. توسعه نیافتگی مناطق مرزی تأثیرات زیادی در روند توسعه کشور می‌گذارد و چالش‌های اساسی در برابر آن قرار می‌دهد و همچنین امنیت این مناطق را تهدید می‌کند و ناامنی مناطق مرزی ناامنی را به داخل کشور منتقل می‌سازد که این امر به نوبه خود چالش‌های بزرگی را در برابر توسعه ملی می‌گذارد (رضوانی، ۱۳۸۳).

1. environmental dimension
2. political dimension

لذا توجه به روستاها و توسعه روستایی امری لازم و ضروری است. با توجه به اینکه برنامه‌ریزی بهترین راه رسیدن به توسعه است، برای رسیدن به توسعه ملی باید از یک برنامه مدون و اصولی در تمامی زمینه‌ها چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی بهره‌مند بود. برای کشور پرجمعیتی مثل ایران، که امنیت غذایی برایش مهم است، روستا به عنوان کانون تولید مواد غذایی، خیلی معنی دار است. با اینکه کشور ما یک کشور خشک محسوب می‌شود، ولی با صرفه‌جویی و افزایش بازده آبیاری در فرایند تولید محصولات نهایی، صنایع تبدیلی و تکمیلی مواد غذایی می‌توان در تأمین امنیت غذایی موفق عمل کرد.

ضرورت توانمندسازی روستاییان

ضرورت توانمندسازی روستاییان برای جامعه در چارچوب این سؤال مشخص می‌شود: یک روستایی چگونه می‌تواند بدون توانمندی به عنوان یک کارآفرین، نیاز جامعه در حال توسعه خود را مرتفع نماید؟ روستاییان در گذشته افراد فاقد توانمندی تلقی می‌شدند که صرفاً برای وظایف مشخص، ثابت و سنتی مناسب بودند؛ اما در حال حاضر روستاییان در کشور ما با تشکیل حداقل یک سوم از جمعیت جامعه و داشتن سهم قابل ملاحظه در تولید ناخالص ملی و نیز در نقش تولیدکننده بخش اعظم مواد غذایی مورد نیاز جامعه، دیگر چندان مهجور و مظلوم به نظر نمی‌آیند. بدیهی است که برای رشد و توسعه کشور باید موانع توانمندسازی مردم روستایی "به عنوان محور اصلی توسعه کشور" از سر راه برداشته شود.

عوامل تسهیل‌کننده توانمندسازی روستاییان

چندین عامل برای تسهیل توانمندسازی روستاییان برشمرده شده است که برخی از آنها عبارتند از: ۱. ارزیابی مثبت از خود، ۲. تمایل برای توانمند شدن، ۳. آگاهی از تواناییهای بالقوه خود، ۴. کسب اعتماد به نفس، ۵. کسب انگیزه و علاقه و اشتیاق و ۶. شناخت احساسات و عواطف شخصی و کسب قدرت کنترل و هدایت آنها (William, 1991).

نقش انگیزه در توانمندسازی: انجام هر عملی در زندگی به منظور رفع یک خواست یا نیاز است. این نیازها می‌توانند ابتدایی (غذا) یا ثانویه (کسب احترام) باشند. با این حال هر نیاز و خواست تمایلی را در افراد جهت رفع آن نیاز ایجاد می‌کند. این تمایل یا پافشاری و کوشش برای رسیدن به خواست و هدف مورد نظر، انگیزه نامیده می‌شود (نجفی، ۱۳۷۸). اهمیت انگیزه آنجا نمایان می‌شود که بدانیم روستاییان کارآفرین علی‌رغم محدودیتهای موجود توانسته‌اند از سد موانع عبور کنند و مسیر کارآفرینی خویش را هموار سازند.

تعریف کارآفرین و کارآفرینی

واژه کارآفرین از کلمه فرانسوی *Entrepreneur* به معنای متعهد شدن است. فرد کارآفرین کسی است که توانایی تشخیص و ارزیابی فرصتهای کسب و کار را دارد و می‌تواند منابع لازم را جمع‌آوری و از آنها بهره‌برداری کند و عملیات مناسبی را برای رسیدن به موفقیت پی‌ریزی کند (مردیث، ۱۳۷۱).

در فرهنگ وبستر، کارآفرین فردی تعریف شده است که سازماندهی می‌کند و خطر مربوط به مؤسسه‌اش را می‌پذیرد. در تعریفی دیگر کارآفرین کسی است که با دوری از بی‌کفایتی‌های دیگران به کامیابی دست می‌یابد. به نظر پالمر (Palmer, 1995) کارآفرین کسی است که خطر واقع‌بینانه را می‌پذیرد، زیرا می‌خواهد که موفق شود.

از کارآفرینی نیز تعاریف بسیار مختلفی وجود دارد. بعضی آن را به معنای نوآوری، بعضی معادل مخاطره‌پذیری، برخی به عنوان نیروی ثبات‌دهنده و متعادل‌کننده بازار و تعدادی نیز آن را مترادف با ایجاد یک کسب و کار جدید (یا ایجاد یک کسب و کار بر مبنای یک ایده جدید) و یا توسعه کسب و کار موجود می‌دانند.

اگرچه ارائه تعریفی جامع برای کارآفرینی دشوار است، اما با توجه به تعاریف یادشده، در این جا تعریفی نسبتاً جامع از کارآفرینی و کارآفرین ارائه می‌شود: کارآفرینی پدیده موقعیتی است و فرد کارآفرین انسانی نوآور است که با ذهنیت مثبتی که دارد فرصتهای

سودآور و کشف نشده را تشخیص می دهد و می کوشد تا ترکیبهای جدیدی از منابع نادر ارائه کند و با پذیرش خطرهای ناشی از ابتکارات خویش، با تلاشهایی که انجام می دهد خود و جامعه اش را بهره مند سازد.

عرصه های کارآفرینی

در برنامه ریزی های ملی دو عرصه متفاوت راهبردی و کاربردی برای بحث کارآفرینی باید در نظر داشت. برای پرداختن به عرصه های راهبردی بدون تردید باید به چندین مؤلفه ویژه توجه خاص شود و این مؤلفه ها در دستور کار دولتها و جوامع به ویژه نهادهای مدنی قرار گیرند. یکی از این مؤلفه ها تغییر ارزشها و باورها و دیگری تغییر ساختارهاست. بدون مهندسی مجدد ساختارهای منطبق بر ارزشها و باور ملی، پرداختن به بحث کارآفرینی به گونه ای مؤثر و ثمربخش امکان پذیر نیست. مؤلفه دوم نیز ناظر بر تغییر در قواعد حاکم بر توسعه منابع انسانی است. تمام نظامهای اجتماعی که وارد بحثهای توسعه منابع انسانی می شوند، این مؤلفه را در مباحث کارآفرینی بسیار مهم می دانند.

بیشتر مباحث در توسعه کارآفرینی در عرصه های کاربردی است. هر چند کشورهای پیشرفته صنعتی با توجه به سابقه طولانی، بسیاری از این مراحل را گذرانده و نیاز به طرح مجدد آن ندارند، اما کشورهای در حال توسعه به ناگزیر باید عرصه ها و مؤلفه های مختلف نظری و کاربردی را برای توسعه کارآفرینی بازتعریف کنند. در این باره ۵ مؤلفه را در عرصه های کاربردی می توان در نظر گرفت؛ نخست اینکه کارآفرین خلاق در حوزه کالا و خدمات، با ابزار، قانون مندی ها، روشها و منابع بتواند کالا و خدماتی را برای جوامع دیگر در آن سوی دنیا پیشبینی کند به شرط آنکه نگرش راهبردی جزء جدانشدنی نظامهای اجتماعی ما و نگرشهای انسانی و مدیریت قرار بگیرد. عرصه دوم همکاری با جهان امروز در گستره جغرافیایی، به عنوان خلاقیت و نوآوری است. عرصه سوم مخاطبان جدید است که می تواند گستره بسیار وسیعی داشته باشد؛ از اقشار مختلف اجتماعی گرفته تا نهادهای مدنی. حتی با

ورود به عرصه خدمات و کالاها، مخاطب می‌تواند یک نوآور و خلاق باشد که با آمیختن گزینه‌ها و کسب و کار جدید قادر است کالا و خدمات جدیدی عرضه کند. عرصه چهارم بحث فناوری است؛ به عبارت دیگر تأمین و عرضه کالایی خاص برای یک مشتری خاص در گستره جغرافیایی وسیع با شیوه‌ها، روشها و فناوریهای نو. عرصه پنجم بحث ارزش افزوده است؛ یعنی ایجاد ارزش افزوده بیشتر با همان گزینه‌ها و همان مواد برای مشتری، جامعه، اداره و کارفرما.

کارآفرینی و توسعه اقتصادی

تحولات و دگرگونیهای نظام اجتماعی- اقتصادی عصر حاضر ریشه در پیشرفت و تغییرات علم و فناوری دارد که این به نوبه خود منجر به تغییر در علایق و ذایقه‌ها گردیده است. بدون تردید سازمانهای عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده بین‌المللی روبه‌رو هستند. از این رو تضمین و تداوم حیات و بقای سازمانها نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روشهای جدید مقابله با مشکلات است که این امر به نوآوری، ساخت کالاها، فرایندها و روشهای جدید بستگی زیادی دارد. در این باره سیاستمداران با کمک مدیران، اقتصاددانان و کارگزاران به دنبال ارائه الگویی هستند که نقش کارآفرینی را در توسعه همه‌جانبه به ویژه اقتصاد تقویت کند. در واقع امروزه نقشهای چندگانه کارآفرین (به عنوان موتور توسعه اقتصادی و صنعتی و محرک و مشوق سرمایه‌گذاری) را باید در گزینه‌های اصلی انتقال فناوری، رفع خلل و تنگناهای بازار و اشتغالزایی جستجو کرد.

در تعیین ویژگیهای کارآفرین، برخی به گزینه‌های روانشناختی و خصوصیات فردی و شخصیتی کارآفرین می‌پردازند و گروهی به فعالیتها و رفتارهای کارآفرین و عملکرد وی در محیط توجه می‌کنند. مهمترین ویژگی کارآفرین، نوآوری است. ژوزف شومپتر، استاد دانشگاه هاروارد، از اولین کسانی است که درباره کارآفرینی سخن گفته است. وی در سال ۱۹۱۱ در کتاب خود به نام "نظریه اقتصاد پویا" کارآفرین را نیروی محرکه اصلی در پیشرفت

اقتصادی دانسته و معتقد است که کارآفرین با ایجاد ترکیبهای تازه از مواد، به نوآوری دست می زند (Zimmerer & et al., 1996).

برخی از ویژگیهای فردی و شخصیتی ای که کارآفرینی را تسهیل می کنند عبارتند از: نوآوری، خلاقیت، اعتماد به نفس، توفیق طلبی، هوشمندی، تعهد، خطرپذیری، نگرش مثبت، بینش و بصیرت، آینده نگری، استقلال رأی، ابهام پذیری، توان مقابله با نبود تعادل، پشتکار، اعتقاد به کنترل سرنوشت خویش، توانایی تشخیص فرصتهای کشف نشده، علاقه مندی به کسب اطلاعات، قدرت تخیل، توجه به اهمیت وقت و زمان، توانایی نفوذ بر دیگران، مهارت و نرسیدن از شکست.

کارآفرینی روستایی چیست

کارآفرینی روستایی اساساً تفاوتی با کارآفرینی در شهر ندارد جز اینکه باید آن را در فضای روستا تصور نمود. پترین (۱۳۸۱) کارآفرینی روستایی را مجموع سه گزاره زیر تعریف می نماید:

- نیرویی که منابع را برای پاسخگویی به تقاضای بی پاسخ بازار بسیج می کند،
- توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ،
- فرایند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدی از منابع در راستای بهره گیری از یک فرصت.

در مجموع، تعریف کارآفرینی روستایی عبارت است از: به کارگیری نوآورانه منابع و امکانات روستا در راستای شکار فرصتهای کسب و کار.

اگر روستا را محور راهبردی کشاورزی و تولیدات و فراوردههای غذایی جامعه ای بدانیم که نیازهای آن رو به تزاید گذاشته است، به نقش بی نظیر آن در پیشرفت و رشد و شکوفایی پی خواهیم برد و درک خواهیم کرد که نادیده گرفتن سهم روستا و روستانشینان، هزینه ها و تبعات ناگواری در پی خواهد داشت. بسیاری از معضلات اجتماعی - اقتصادی

موجود، بی‌نظمی‌های اجتماعی در اشکال مختلف به‌ویژه ناامنی‌ها، ناهنجاریهای رفتاری و اجتماعی، رشد بی‌رویه مهاجرت، افزایش حاشیه‌نشینی در اطراف کلان‌شهرها و بسیاری مشکلات دیگر به نحوی ناشی از توسعه‌نیافتگی روستایی است. برخی از مهمترین مشکلات و چالشهای فراروی مبحث کارآفرینی روستایی در کشورهای در حال توسعه به شرح زیر است:

۱. عدم دسترسی به سرمایه و امکانات، ۲. مشکل در عرضه کالاها و خدمات، ۳. تأکید بر یک صنعت یا کسب و کار خاص، ۴. وجود پدیده حاشیه‌نشینی و تمایل شدید به مهاجرت، ۵. گسترش روزافزون تغییر کاربری اراضی زراعی، ۶. امکان ریسک کمتر در روستاها، ۷. کمبود سازمانهای حمایت‌کننده.

بنابراین، نیل به توسعه روستایی مستلزم مجموعه‌ای از زیرساخت‌ها و پیش‌نیازهای اساسی به شرح زیر است:

۱. توسعه فرهنگ کارآفرینی، ۲. آموزش کارآفرینی، ۳. توسعه زیرساخت‌های کارآفرینی، ۴. حفظ و توسعه کسب و کارهای موجود از طریق سیاستهای حمایتی و حمایت از ایجاد کسب و کارهای جدید در مناطق روستایی.

نقش تعاونیهای روستایی در تولید و توسعه

تعاونیها را معمولاً بخش سوم اقتصاد می‌نامند. در کشورهای غربی تعاونیها را بخش واسطه‌ای میان بخش دولتی و خصوصی می‌شمارند و در کشورهای سوسیالیستی تعاونیها را راه حل یا شیوه‌ای برای کاهش دخالت دولت در اقتصاد دانسته‌اند. کشورهای در حال توسعه تعاونیها را وسیله‌ای برای تأمین و تعمیم مالکیت و تسهیل دستیابی افراد به فعالیتهای نوین اقتصادی تلقی می‌کنند. تعاونیها با سهام اندک روستاییان می‌توانند راهگشای مشکلات نقدینگی خانوارهای روستایی و افزایش فعالیتهای آنان در روستا گردند. تعاونیها علاوه بر قطع نقش واسطه‌ها و دلالان در روستاها کمک شایانی به روستاییان شاغل در بخش صنایع دستی، دامداری و یا کشاورزی می‌کنند. اقتصاد روستایی پیش از این در چنگال ربا خواران بود و آنها

امکان فعالیت را از کشاورزان سلب کرده بودند. از سویی زمین و کشاورزی نیز در اختیار مالکان بزرگ و خوانین قرار داشت. اصلاحات ارضی به این اوضاع پایان داد و سبب شد نهادهای دولتی و غیر دولتی از جمله شرکتهای تعاونی روستایی و سایر تشکلهای به عرصه کشاورزی روستا وارد شوند (صفی نژاد، ۱۳۵۴). اهم ارزشها و نقش مؤثر و شناخته شده تعاونیها را در جهان می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی، فقرزدایی، ایجاد اشتغال مولد، به وجود آوردن یکپارچگی اجتماعی، ایجاد فرصتهای برابر اقتصادی، کاهش تصدی دولت به ویژه در بهداشت و درمان، آموزش و سایر تصدیهای اجتماعی، تقویت کارآفرینی و مدیریت، تشکیل جامعه مدنی و بهبود کیفیت آن، پیشگیری از چالش جهانی شدن و تبدیل آن به فرصت. به طور خلاصه تعاونیها از بعد اقتصادی به عدالت، از حیث سیاسی به آزادی و از حیث فرهنگی به ارزشهای اخلاقی و دینی توجه دارند.

در بسترسازی برای رشد سریع اقتصادی، تعاونیها از طریق تجمیع سرمایه های کوچک مردم و سرمایه گذاری در فعالیتهای مختلف از جمله در تولید محصولات اساسی و راهبردی، تولیدات صادراتی صنایع تبدیلی و تکمیلی بخش کشاورزی، نوسازی و توسعه باغها، صنایع مبتنی بر منابع، صنایع کوچک و متوسط، بانکها و صنعت بیمه و همچنین از طریق تعامل فعال با بخشهای دولتی و خصوصی، جلب مشارکت خارجی، سازماندهی گروه های مردمی و فراهم کردن زمینه حضور فعال آنها در روند خصوصی سازی و نیز از طریق افزایش بهره وری در فعالیتهای خود می توانند تأثیر گذار باشند. به این ترتیب نقش تعاونیها در اقتصاد افزایش می یابد. در رقابت پذیری اقتصاد، تعاونیها می توانند نقش محوری ایفا کنند و هم اکنون یکی از اهداف تعاونیها در جهان توجه بنگاههای اقتصادی کوچک و متوسط به این امر است. این هدف از طریق سازماندهی عمودی، افقی، خوشه ای بنگاههای اقتصادی حول موضوعات خاص در قالب تشکلهای تعاونی صورت می گیرد. همچنین ادغام و یکپارچه سازی در بخش تعاونی، شکل گیری شرکت تعاونی در مقیاس بزرگ جهانی از طریق جلب مشارکت بخشهای

دولتی، خصوصی و خارجی و گسترش خدمات پیشرفته درون بخش تعاونی نیز به رقابت پذیری اقتصاد ملی کمک شایانی می کند.

در توسعه مبتنی بر دانایی نیز نقش تعاونیها می تواند برجسته باشد، زیرا در تحقق این مسئله، انسان محوری نقش اساسی ایفا می کند و این از ویژگیهای تعاونیهاست. ایجاد و گسترش پارکها و مراکز رشد علم و فناوری با مشارکت تشکلهای تعاونی، ترویج و گسترش تعاونی در بخشهای آموزش متوسطه، آموزش عالی و آموزش فنی و حرفه‌ای، گسترش تعاونیهای تحقیقاتی، مشاوره و خدمات نرم افزاری و همچنین توسعه مهارتها، آموزشها و فناوری اطلاعات و ارتباطات در بخش تعاونی که از اصول تعاونیهاست، در توسعه دانایی محور کشور بسیار مؤثر است.

در حفظ محیط زیست، تعاونیهای متشکل از ساکنان هر یک از مناطق کشور هرگز نقش منفی نخواهند داشت، زیرا نفع آنها در حفظ محیط زیست خودشان است. در ارتقای سلامت و بهبود کیفیت زندگی، تعاونیها از طریق عضویت فراگیر عامه مردم در تعاونیهای خدمات بهداشتی درمانی می توانند ضمن کاهش قیمتها در بخش بهداشت و درمان به بهداشت و سلامت جامعه نیز کمک کنند.

ارتقای عدالت اجتماعی تنها از طریق نظام تأمین اجتماعی میسر نخواهد شد. تعاونیها از طریق گسترش عضویت، برقراری فرصتهای اقتصادی مساوی، تسهیل دسترسی همگان به منابع و امکانات، توانمندسازی جوانان و زنان و دانش آموختگان دانشگاهی برای اشتغال و ایجاد بنگاههای اقتصادی مقتدر، حفظ و بهبود اشتغال موجود، گسترش مالکیت و حضور عامه مردم در فعالیتهای اقتصادی و واگذاری ترجیحی سهام بنگاههای اقتصادی بخش دولتی می توانند موجب تحقق عدالت اجتماعی و بهبود ضریب جینی شوند (وزارت تعاون، ۱۳۸۶).

اهداف و وظایف تعاونیهای روستایی

- ترویج توسعه مشارکتی (ایجاد امکان فعالیتهای دسته جمعی)

- بهره‌مند کردن روستاییان از شخصیت حقوقی در قالب گروه
 - ارتقای سطح زندگی روستاییان
 - افزایش تولید و بهره‌وری در جامعه روستایی
 - فراهم آوردن امکانات آموزشی مورد نیاز روستاییان
- برای رسیدن به اهداف فوق، تعاونیها نسبت به اعضای خود تعهداتی دارند و برعکس بر اساس اساسنامه شرکت‌های تعاونی روستایی، این تعهدات (به شرح زیر) خواهند توانست مشارکت اعضا و اعتماد اجتماعی درون گروهی مورد نیاز را به دست آورند:
- ارائه خدمات مالی و اعتباری
 - ارائه خدمات فنی و مشاوره‌ای
 - ارائه خدمات ترویجی و آموزشی
 - ارائه خدمات بازاریابی
 - تهیه و تدارک کالاهای معیشتی و نهاده‌های تولیدی

مزایای ایجاد شرکت تعاونی روستایی

تعاون و تعاونی در اذهان اکثر مردم کشور یعنی مکانی برای ارزانتر خریدن و سود بیشتر بردن. در این میان کمتر کسی می‌پذیرد که تعاون یک رکن اقتصادی در توسعه کشور است؛ رکنی که می‌تواند با بهره‌گیری از اقتصاد دولتی و مزایای اقتصاد خصوصی جایگاه قدرتمندی در جمع‌آوری سرمایه‌های پراکنده و کوچک مردمی و راه‌اندازی طرح‌های عظیم اقتصادی داشته باشد. در زیر به برخی از مزایای شرکت‌های تعاونی پرداخته می‌شود:

۱. نبود ارزشهای سهام در مورد مقدار زمین و رعایت حق رأی افراد به صورت وجود

امتیاز برای اعضا

۲. تشابه کار گروهی در این شرکتها و هماهنگی و اشتراک مساعی در کارهای اجرایی

توسط کشاورزان

۳. استفاده بهینه از نهاده‌ها و ادوات بهره‌برداری و در نهایت افزایش تولیدات (ابراهیم‌زاده، ۱۳۷۸)
۴. بهبود و اثربخشی عملکردهای ترویج کشاورزان در درون تعاونیها و کارایی بالای مروجان در این گونه تشکلهای
۵. تسهیل ارتباط با دستگاه و مجامع دولتی و خصوصی در جهت کمکها و مشارکتها
۶. افزایش اوقات فراغت اعضا و اشتغال در بخشهای دیگر مثل دامداری صنایع روستایی (نجفی، ۱۳۶۱)
۷. مبادله اطلاعات، آموزش و فراهم کردن جزئیات درباره چگونگی انجام برنامه‌های آموزشی
۸. تلاش برای شناخت نظرهای مردم درباره یک موضوع به صورتی که طرحها نشاندهنده خواسته‌های جمع باشد
۹. ایجاد محیطی مناسب برای سیاستها و طرحهای پیشنهادی

برهمکنشی (تعامل) تعاون و کارآفرینی در روستا

از آنجا که در اکثر مناطق جهان روستاها از جمله نواحی فقیر و در حال فرسایش محسوب می‌شوند، اندیشمندان و سیاستگذاران تمامی کشورهای دنیا توجه خاصی را معطوف به امر توسعه روستایی و رفع مشکلات و معضلات آنها نموده‌اند. امروزه صاحب‌نظران بین‌المللی بر این اعتقادند که باید جدای از سیاستها و راهبردهای کلان توسعه و توسعه اقتصادی (که بسیار مهم هم هستند) به طور ویژه و مشخص به امر توسعه روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده حاکم بر آنها پرداخته شود.

مشکلات و معضلات روستاها در تمامی جهان ناشی از دو مسئله اساسی است: یکی کمبود امکانات اجتماعی (ضعف زیرساخت) و دیگری کمبود درآمد (ضعف اقتصادی). از جمله امکانات اجتماعی می‌توان به خدمات بهداشتی، آموزشی، بیمه و تأمین اجتماعی، خطوط

ارتباطی (حمل و نقل و مخابرات)، امنیت، آب آشامیدنی، سوخت، برق و از این دست اشاره کرد. اگرچه بسیاری از دولتها برنامه‌های گسترده و پرهزینه‌ای را برای بهبود این زیرساخت‌ها انجام داده‌اند، اما شواهد موجود نشان می‌دهد که این امر خود به تنهایی نتوانسته است معضلات زندگی روستایی را حل کند و آنان را از فقر برهاند و سیل مهاجرت از روستا به شهر را کاهش دهد.

در این میان کمبود درآمد عامل مهمی است که اگر برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، طرحهای توسعه روستایی به ثمر نمی‌نشینند و روستاها دچار توسعه نیافتگی می‌شوند. کمبود درآمد روستاییان ناشی از چندین مسئله است:

- افزایش جمعیت روستاییان (مقدار مطلق)

- بیکاری (کامل یا فصلی)

- بهره‌وری پایین افراد و منابع

- عدم جذابیت روستاها برای سرمایه‌گذاری

- ضعف فضای کسب و کار

مطالعات مختلف نشان داده است که یکی از مهمترین اهداف توسعه اقتصادی (چه در شهرها و چه در روستاها) اشتغال‌زایی و مهمترین سازوکار و ابزار آن، کارآفرینی و ایجاد تعاونی است. کارآفرینی باعث کاهش بیکاری و افزایش بهره‌وری افراد و منابع و در نتیجه، افزایش درآمد مردم جامعه می‌گردد. اگرچه نباید گفت که تعاونی تنها راهکار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی است، اما قطعاً می‌توان گفت بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است. اقتصاددانان آن را مهمترین پیشران توسعه اقتصاد روستایی، سیاستمداران آن را یک راهبردی کلیدی برای جلوگیری از اغتشاشات و ناآرامی در روستاها، کشاورزان و روستاییان آن را ابزاری برای بهبود درآمد خویش و زنان آن را امکانی برای اشتغال در مجاورت محل سکونت خود می‌دانند. در مجموع، کاربردهای کارآفرینی در توسعه اقتصادی و توسعه روستایی به اختصار عبارتند از:

۱. دستیابی روستاییان به کالاها و خدمات موردنیاز، ۲. رشد اقتصادی روستاها، ۳. کاهش مهاجرت به شهرها، ۴. ارتقای سطوح توسعه اجتماعی و رفاه در روستا، ۵. تشویق به ایجاد کسب و کارهای جدید، ۶. رشد و توسعه روستا و شکوفایی اقتصاد ملی

نتایج و پیشنهادها

کارآفرینی به عنوان موتور محرک توسعه اقتصادی در عصر اطلاعات، نقشی محوری در فعالیتهای فردی و سازمانی ایفا می کند و از آنجا که در کشورهای جهان سوم، دولت و سازمانهای دولتی در تمام عرصه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستایی و شهری حضوری گسترده و فراگیر دارند، تبدیل قسمتی از این سازمانها و مؤسسات روستایی به تعاونیها و سازمانهای کارآفرینانه، اهمیت ویژه ای دارد. با توجه به نتایج این مطالعه، می توان گفت که سازمانهای اجتماعی و فرهنگی دولتی در اکثر کشورهای در حال توسعه نتوانسته اند در رهگذر ایجاد تعاونیهای موفق و انقلاب کارآفرینانه، از مزایای کارآفرینی در تعاونیهای خود به خوبی بهره گیری نمایند و در واقع کارآفرینی سازمانی در آنها در حد نامطلوبی است. از طرف دیگر این مطالعه نشان داد که متغیرهای مختلفی در قالب عوامل ساختاری، رفتاری و محیطی مرتبط با سازمانهای اجتماعی و فرهنگی دولتی بر تعاون روستایی و توسعه کارآفرینی روستایی، با درجه اولویت و اهمیت متفاوت تأثیر گذارند.

نتایج به دست آمده از این پژوهش همچنین نشان داد که در مسیر حصول به تعاون روستایی و فرایند کارآفرینی لازم است به موارد زیر توجه لازم مبذول گردد:

- اتخاذ سیاستهایی برای تقویت ظرفیت کارآفرینی یک جامعه (از قبیل مهارتها و انگیزه ها برای استفاده از فرصتها) تأثیر مهمی در سطح فعالیتهای کارآفرینی خواهد داشت.
- تغییر نگرش حاکم درازدهان مدیران و مردم نسبت به روستا از طریق فرهنگ سازی به وسیله رسانه های جمعی و عمومی، برجسته سازی و توجه ویژه به مناطق روستایی در نظام آموزشی، لزوم توجه ویژه مدیران ارشد به روستاها (مثل اقامت آنان در روستاها)

- جذاب سازی فضای روستایی کشور از طریق توسعه هدفمند فضاهای فرهنگی و آموزشی روستاها، ایجاد مراکز تفریحی، اقامتی، سیاحتی در روستا
- تکمیل جامعه اطلاعاتی روستایی کشورمانند ایجاد ارتباطات مخابراتی، ارتقای سواد اطلاعاتی روستاییان و نزدیک سازی فرهنگ شفاهی آنها با فرهنگ مکتوب و دیجیتال
- تشکیل تعاونیهای روستایی و مراکز تحصیلی و آموزشی (به خصوص آموزشهای فنی، حرفه‌ای و کاربردی) در جهت ارتقای سطح سواد روستاییان و آموزش آنان به منظور به کارگیری روشها و فناوریهای نوین
- نوسازی مناطق آسیب‌دیده روستایی و توسعه اشتغالزایی در روستاهای کشور از طریق حاکم سازی فضای تعاون و کارآفرینی و ایجاد پارکهای کارآفرینی در مراکز و مناطق مستعد و همچنین حمایت از دانش‌آموختگان روستایی برای راه‌اندازی کسب و کار در روستا
- شکوفاسازی اقتصاد روستایی و تأسیس روستاهای نوین که از جهت موقعیت و امکانات هم‌تراز شهرها باشند، توسعه صنایع دستی و روزآمدسازی آنها، جذب سرمایه‌گذاران خارجی و بخش خصوصی به سمت روستاها و فرهنگ‌سازی برای تغییر الگوهای مصرف و تولید در روستا
- توسعه صنایع کوچک و زودبازده و همچنین صنایع تبدیلی در مناطق مستعد روستایی
- حرکت از سمت کشاورزی معیشتی به کشاورزی صنعتی و اقتصادی نمودن کالاهای کشاورزی و روستایی
- حمایت مؤثر از تشکیل و توسعه تعاونیها و ایجاد و گسترش مجتمعهای تعاونی روستایی

منابع

۱. آسایش، حسین (۱۳۸۵)، اصول و روش های برنامه‌ریزی روستایی، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
۲. آسایش، حسین و نوذر قنبری (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر اقتصاد روستایی ایران، انتشارات دانشگاه آزاد.
۳. ابراهیم زاده، علی و همکاران (۱۳۸۳)، شرکت تعاونی از تصمیم تا تشکیل، انتشارات پایگان، تهران.

۴. احمد پور داریانی، محمود (۱۳۷۹)، کارآفرینی، تعاریف، نظریات، الگوها، انتشارات پردیس، تهران.
۵. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۲)، جامعه‌شناسی توسعه و توسعه‌نیافتگی روستایی ایران، انتشارات اطلاعات، تهران.
۶. بوگاردوس، اموری (۱۳۸۲)، تعاون و اصول اولیه، ترجمه مهدی طالب، انتشارات مرکزی تعاون کشور.
۷. پترین، تی. (۱۳۸۱)، کارآفرینی به منزله یک نیروی اقتصادی در توسعه روستایی، ترجمه حمیدرضا زرنگار، نشریه جهاد، سال ۲۲، شماره ۲۵۳، مهر و آبان.
۸. تودارو، مایکل (۱۳۸۴)، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعی فرهادی، انتشارات کوهسار.
۹. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، چاپ اول، نشر قوس، تهران.
۱۰. سالکی، حسین (۱۳۷۱)، اصول تعاونی حال و آینده، وزارت کار و امور اجتماعی، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۱۱. شوماخر، ای اف. (۱۳۸۲)، کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، انتشارات سروش، تهران.
۱۲. صفی نژاد، جواد (۱۳۵۴)، بنه، انتشارات توس، تهران.
۱۳. طالب، مهدی (۱۳۷۶)، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران، نشریه شماره ۲۳۶۷.
۱۴. طالب، مهدی (۱۳۸۲)، اصول و اندیشه‌های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. طاهرخانی، مهدی و عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری (۱۳۸۴)، امکان‌سنجی ایجاد مراکز فناوری اطلاعات در مناطق روستایی. فصلنامه توسعه روستایی، سال نهم، شماره سه.
۱۶. کلایدر، آلاسدایر (۱۳۷۶)، اقتصاد سیاسی همکاری و مشارکت، بخش سوم اقتصاد، مترجم علی معنوی و ناشر وزارت تعاون، تهران.
۱۷. مردیث، فری (۱۳۷۱)، کارآفرینی، انتشارات دفتر بین‌المللی کار، مترجم محمد صادق بنی‌عیان، مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، تهران.
۱۸. مطیعی لنگرودی، حسن (۱۳۸۲)، جغرافیای اقتصادی ایران، انتشارات جهاد دانشگاهی، مشهد.

۱۹. نجفی، بهاء‌الدین (۱۳۷۸)، درباره اقتصاد کشاورزی ایران، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران.
20. Adams, Lewis M. (1968), Webster's New Dictionary, Books Inc., Publishers, New York.
21. Davis T. And F. Luthans, A social learning approach to organizational Behavior in Stress and Porter, Motivation and Work Behavior , McGraw Hill, New York, 1083.
22. Deunert, John & Kostas Metaxiotis (2006), The Contribution of Neural networks and genetic algorithms to business decision support, *Management Decision* ,Vol 42. No. 2, Emerald Group Publishing Limited.
23. Hirsch, Robert D. and Michael P. Peters (1992), Entrepreneurship, Starting, Developing, and Managing a new Enterprise, IRWIN, Boston.
24. Palmer, M. (1995), The application of psychological testing to entrepreneurial potential, in Ahmadpour.
25. William, Ury (1991), Getting Past no, Negotiating, Your way From Confrontation to cooperation , Bantam Books, New York, 189 P.
26. Zimmerer, Thomas W. And Norman M. Scarborough (1996), Entrepreneurship and new ventures formation, Prentic Hall, New Jersey.